تاریخچه و ابعاد فن خطابه در اسلام

بررسی تأثیر و ویژگی‌های مبلغان موفق

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین یحیی صادقی مازندرانی/ **بخش دوم و پایانی**

خطابه و فنون تبلیغ همواره نقش کلیدی در انتقال معارف دینی و اجتماعی ایفا کرده‌اند. در تاریخ اسلام، خطابه نه‌تنها به‌عنوان ابزاری برای بیان حقایق دینی شناخته شده؛ بلکه به‌عنوان وسیله‌ای مهم برای تربیت و هدایت جامعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. از زمان پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام تا عصر معاصر، خطبا و مبلغان با بهره‌گیری از روش‌ها و فنون گوناگون، تلاش کرده‌اند معارف اسلامی را منتشر کرده و جامعه را به سوی نورانیت اسلام هدایت کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین یحیی صادقی، استاد برجسته سطح عالی حوزه، در تحلیل تاریخچه و ابعاد فن خطابه در اسلام، به بررسی ویژگی‌های مبلغان موفق پرداخته است. وی با مرور مهم‌ترین خطبای اسلامی از دوران صدر اسلام تا دوره معاصر، ویژگی‌های بارز مبلغان تأثیرگذار را تحلیل کرده و به بررسی دلایل موفقیت آنان در عرصه تبلیغ پرداخته است. استاد صادقی تأکید دارد که فهم دقیق از فنون خطابه و شناخت نیازهای جامعه، کلید موفقیت در تبلیغ و هدایت مخاطبان است.

بخش اول این گفت‌وگو در شماره قبل تقدیم نگاه خوانندگان گرامی شد، بخش دوم و پایانی در ادامه می‌آید.

...ادامه از شماره قبل

• الف) تفقه در دین

با کمال تأسف، فنّ خطابه به درجه دوم افتاده است؛ یعنی فضلا هستند که منبر می‌روند و ما آرزو می‌کنیم که مراجع تقلید پا به عرصه منبر بگذارند. مکارم‌ها، نوری‌ها، سبحانی‌ها، وحیدها باید منبر بروند؛ زیرا آنچه که می‌گویند، حقیقت دین و اسلام است؛ البته در میان خطبا افراد فاضل، محقق و پژوهشگر وجود دارند.

یادی کنیم از مرحوم آیت‌الله علوی گرگانی؛ ایشان صاحب افتاء بودند؛ ولی وقتی به مرجعیت رسیدند، دست از تبلیغ برنداشتند و در ایام محرم و ماه رمضان به گرگان و گلستان می‌رفتند و خطابه داشتند. صدها نفر پای منبر ایشان می‌نشستند و از مباحث اخلاقی، تربیتی و اجتماعی ایشان بهره‌مند می‌شدند.

چقدر لذت‌بخش است که کسانی به منبر بروند که مجتهد باشند تا مستمع با خیال راحت و آرامش کامل حرف ایشان را گوش کند. بعضی در منبر به‌جای آنکه حرف خدا و اهل‌بیت؟عهم؟ را بگویند، حرف خودشان را بیان می‌کنند. مردم دین‌داری خود را از مبلغان می‌گیرند، ایمان مردم وابسته به تبلیغ مبلغان است و سعادت و سرنوشت مردم به مسأله تبلیغ گره خورده است.

شما سروران و دوستان عزیز، اربابان فضل و فضیلت و دانش و بینش هستید؛ شما بهشت و جهنم را می‌شنوید. بهشت یعنی سعادتی بی‌پایان و جهنم یعنی عذابی بی‌پایان. تمام موجودات عالم محدود هستند؛ شن‌ها و ماسه‌های اقیانوس اطلس و ماسه‌های لب دریای خزر را دیدید، یک کف ماسه را بردارید، یک میلیون ماسه در کف دست جا می‌گیرد. از آستارا تا جزیره بنگاله، هرچه ماسه است، محدود است. تمام ماسه‌های دنیا و ستارگان آسمان محدود هستند. دانشمندان آمریکایی رصد کرده‌اند که دنیا ۱۰۰ میلیارد کهکشان دارد و هر کهکشان ۱۰۰ میلیارد ستاره دارد؛ اما همچنان محدود است؛ زیرا عالم جسمانی، عالم محدودی است؛ ولی بهشت نامحدود است و ابدیّت دارد و جهنم هم ابدیّت دارد.

هرکسی که این رسالت انبیا علیهم‌السلام را به دوش بگیرد، یعنی مبلغان عالی‌قدر، باید بدانند که با سخن خود، سعادت بی‌پایان ابدی را بیان می‌کنند. اگر من کارشناس دین نباشم و اطلاع عمیق از مسائل مذهبی نداشته باشم، تسلط بر قرآن و نهج‌البلاغه، احادیث و نصوص ائمه علیهم‌السلام و تاریخ اسلام نداشته باشم و نتوانم، مردم را به دین صحیح راهنمایی کنم، نه‌تنها باعث عروج من نمی‌شود؛ بلکه باعث وزر و وبال در قیامت می‌شود. این کار بسیار زحمت می‌خواهد و سال‌ها باید در حوزه ماند و خدمت بزرگان علم رفت. به قول شاعر:

«ناز بزرگانت بباید کشید *** تا به بزرگی بتوانی رسید»

اسلام ابعاد مختلفی در احکام فردی، اجتماعی، سیاسی، تعقیبات، تعلیمات، تربیت، حقوق کارگر، حقوق کارفرما، حقوق خانواده، حقوق زن بر شوهر، شوهر بر زن، فرزندان بر پدر و والدین بر فرزندان و روابط اجتماعی دارد.

دین سه شاخه اصلی دارد:

۱. عقاید: که باید تحکیم شود.

۲. اخلاق و ارزش‌ها: که در آن رذائل و فضائل و تهذیب نفس بیان می‌شود.

۳. فقه و احکام: که مربوط به حلال‌ها و حرام‌هاست.

این سه شاخه اصلی دین است که باید در آنها تفقه شود؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾ (سوره توبه، آیه ۱۲۲).

مبلغ باید به‌اندازه فهم و ادراک خود زحمت بکشد و مابقی را به ذات مقدس پروردگار عالم بسپارد.

آیا مبلغ مکتب نباید مکتب را بشناسد؟ مبلغ مکتب، باید خودش آن مکتب را در درجه اول شناخته باشد. اینکه گفته‌اند، «فاقد شیء معطی شیء نمی‌شود»، فقط در عالم طبیعت نیست؛ بلکه در عالم گویندگی و شنوندگی هم، به همین صورت است. وقتی خودم فاقد شیء هستم، نمی‌توانم معطی آن باشم.

«ذات نایافته از هستی‌بخش چون تواند که بود هستی‌بخش»
«خشک‌ابری که بود ز آب تهی نـاید از وی صفت آب‌دهـی»

اولین شرط یک خطیب موفق، احاطه به تمام ابعاد و وجوه مسائل اسلامی و دینی است که بابت آن، باید سال‌ها کار و تحقیق و تفحص کرد تا ابعاد دین پیامبر اسلام ﷺ که آیین آسمانی و کامل‌ترین ادیان عالم است، نزد ما شناخته شود.

• ب) اخلاص و صداقت

اخلاص و صداقت از اصول اساسی برای هر مبلغ هستند و نقش بنیادینی در تبلیغ دین ایفا می‌کنند. منبر نباید به‌منظور تظاهر، خودنمایی، یا جلب توجه مردم باشد. سخنرانی نباید به‌گونه‌ای باشد که برای خوش‌آیندی مخاطب، مطالبی را بیان کنیم که صحت آنها مشکوک یا نادرست باشد. اخلاق و صداقت، کلید موفقیت گوینده است؛ هرچه نفس فرد مهذب‌تر باشد، تأثیر کلام او در مخاطب بیشتر خواهد بود.

تأکید بر اخلاص به این معناست که مبلغ باید نیت خالصانه‌ای داشته باشد و تمام تلاش خود را برای رساندن پیام درست دین انجام دهد، بدون اینکه به دنبال منافع شخصی یا جلب توجه باشد. صداقت در بیان مطالب نیز، بسیار مهم است؛ مبلغ باید از دقت و صحت در ارائه اطلاعات دینی اطمینان حاصل کند و از هرگونه گفتار غیرواقعی یا مشکوک پرهیز نماید. این ویژگی‌ها نه‌تنها به اعتبار سخنرانی افزوده؛ بلکه موجب تأثیرگذاری بیشتر آن بر مخاطب می‌شود.

• ج) شجاعت و قوت قلب

شجاعت و قوّت قلب از شروط اساسی برای موفقیت در تبلیغ هستند. مبلغ نباید محافظه‌کار باشد و باید آنچه را که از حقیقت دین فهمیده است، به مردم ابلاغ کند.

موحّد چه زر ریزی اندر برش
و یا تیغ هندی نهی بر سرش
امید و هراسش نباشد به کس
قرین است مداح توحید و بس

وظیفه مبلغ این است که با صراحت و جرأت، پیام دین را منتقل کند و از بیان حقایق نترسد.

شجاعت به این معناست که مبلغ باید در برابر فشارها و تهدیدها، چه از جانب ظالمان و چه از جانب مستکبران، ایستادگی کند و به وظیفه خود در تبلیغ دین ادامه دهد. به‌عبارت دیگر، مبلغ باید تنها به ذات مقدس پروردگار اعتماد کند و در مقابل دشواری‌ها و مشکلات، تنها از خدا و مسؤولیت‌های خود بترسد؛ نه از مردم یا تهدیدات آنان.

در قرآن کریم آمده است:

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ (سوره احزاب، آیه ۳۹)؛ یعنی کسانی که رسالت‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و تنها از خدا می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند.

مبلغ موفق باید شجاعت داشته باشد و در برابر ظالمان و مستکبران بی‌ایمان سکوت نکند و حقایق را با صداقت و صراحت بیان کند. این شجاعت و قوّت قلب، به مبلغ کمک می‌کند که در شرایط دشوار نیز، به وظیفه خود عمل کرده و رسالت دینی خود را به بهترین نحو انجام دهد.

یکی از احادیثی که بر این نکته تأکید می‌کند، این است: «أَفْضَلُ الجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِندَ إمَامٍ جَائِرٍ» (کنزالعمّال: ۵۵۷۶؛ صحیح مسلم: حدیث۴۶۷۰)؛ یعنی بهترین جهاد، بیان کلمه حق و عدالت در برابر امام جائر است. این حدیث نشان می‌دهد که شجاعت در بیان حق و اعتراض به ظلم و فساد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

• د) تبشیر و تنذیر

مبلغ باید بشارت‌دهنده و انذارکننده باشد، نه به‌گونه‌ای که همیشه مردم را به امیدواری و خوش‌بینی مفرط دعوت کند یا خدایی نکرده، همیشه آیات یأس را خوانده و آنها را ناامید سازد. در روایات آمده است (به نقل از مجمع البیان) که وقتی آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا، وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا﴾ (سوره احزاب، آیه ۴۵)، نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ، امام علی علیه‌السلام و معاذبن جبل را به یمن فرستاد و به حضرت علی علیه‌السلام فرمود که همیشه به مردم بشارت دهید و از کارهایی که ممکن است، باعث نفرت آنها شود، پرهیز کنید. مردم باید امیدوار بمانند. همچنین، خداوند به پیامبر فرموده است: «إِنِّي أُمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أُمِرْتُ بِالرِّسَالَةِ» که به‌معنای آن است که پیامبر ﷺ موظف شده با مردم مدارا کرده و گفتار نرم و رفیقانه داشته باشد.

• ه) خدمت‌رسانی به مردم

یکی از شرایط اساسی برای موفقیت یک خطیب، خدمت‌رسانی به مردم است. صدها فرشته بر دستی که گره‌ای از کار خلق را باز کند و به فکر محرومین باشد، بوسه می‌زنند. خدمات اجتماعی و عمرانی، مانند ساخت پل، مسجد، جاده و درمانگاه، تأثیر عمیقی بر زندگی مردم دارد. عالم دینی که در کنار آموزش و تبلیغ، در این زمینه‌ها نیز فعال باشد، اثر بیشتری در جامعه خواهد گذاشت. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ وَهُمْ آمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الکافي، ج ۲، ص ۱۹۷)؛ خداوند بندگانی دارد که در تأمین نیازهای مردم تلاش می‌کنند؛ آنان از ترس و نگرانی‌های قیامت در امان خواهند بود.

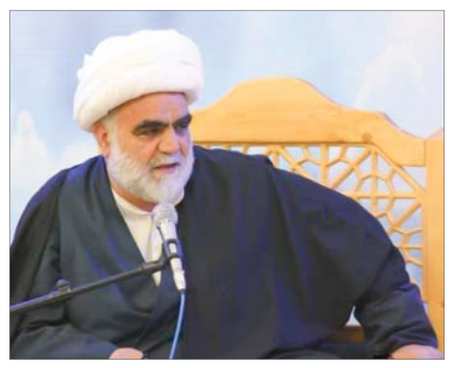

همان‌طور که پروین اعتصامی در شعر خود آورده است:

شنیدید که آسایش بزرگان چیست؟
برای خدمت بیچارگان نیاسودن

خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی را، پدر شهید احمدی میانجی و از محققان بزرگ حوزه که صاحب کتاب «مکاتیب الرسول» است. قرار بود ایشان یک مرکز خیریه در منطقه خود تأسیس کند. یکی از دوستانش نقل می‌کند که در کنار ایشان نشسته بود و او قلم و کاغذ برداشت و اولین چیزی که نوشت، شعری از پروین اعتصامی بود:

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست
برای خـاطـر بیچـارگان نیاسـودن

در روایات آمده است: «مَن سَعى في حَاجَةِ أَخِيهِ المُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللهَ تِسْعَةَ آلافِ سَنةٍ؛ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ» (بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵، حدیث ۷۲).

مردم نیازمند کمک ما هستند. به‌عنوان مبلغ، باید در این مسیر حرکت و سعی کنیم، جوانان بی‌کار را مشغول به کار کنیم. کمک به فرد بی‌کار از هزار شب، نماز شب بهتر است. صدها فرشته بر دستی که گره از کار خلق باز کند، بوسه می‌زنند. کسی که تلاش کند، در تأمین نیازهای برادر دینی‌اش، مانند کسی است که ده‌بار طواف خانه خدا کرده است.

• اهمیت تفکر و تعقّل در اعمال دینی بیان آیت‌الله وحید خراسانی

حضرت آیت‌الله وحید خراسانی که به‌عنوان «کمپانی روزگار» و «چشمه روزگار» شناخته می‌شود، در مجموعه سخنرانی‌های خود در کویت که شامل۶۰ منبر است، به نکات مهمی اشاره کرده‌اند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های‌شان، به اهمیت تفکر و تعقل پرداخته و می‌گویند: «اگر از من سؤال کنند، بالاترین و ارزنده‌ترین عمل چه عملی است، می‌گویم تفکر و تعقّل است؛ زیرا در روایت آمده که یک ساعت فکر کردن، بالاتر از ۷۰ سال عبادت است.»

شیخ انصاری رحمه‌الله نیز به‌درستی تأیید کرده است که این حدیث صحیح است؛ چراکه حرّبن یزید ریاحی با یک لحظه تفکر و انتخاب صحیح، به سعادت ابدی رسید؛ درحالی‌که عمرسعد، با وجود موقعیت مشابه، خسرالدنیا والآخرة شد. حرّ با اندیشیدن به عاقبت کار خود و تصمیم به انتخاب بهشت، نشان داد که تفکر می‌تواند، مسیر زندگی را به کلی تغییر دهد.

اتفاق کربلا نیز ابعاد عمیق و بی‌پایانی دارد و مسائل پیچیده‌ای مانند جبر و آزادی را به‌خوبی تفسیر می‌کند. مولوی نیز در این زمینه می‌گوید:

تـو ز قـرآن بازخـوان تفسیـر بیـت
گفـت ایـزد: مـا رمیـت اذ رمیـت
گـر بپرانیـم تیـر آن نـه ز ماسـت
مـا کمـان و تیرانـدازش خداسـت

در واقع، حادثه کربلا بیان‌گر تفسیر واقعی جبر و آزادی است و بسیاری از بزرگان معتقدند که ظرفیت عاشورا بی‌پایان است و تمامی معارف دین در آن به‌طور جامع وجود دارد.

آیت‌الله وحید در سخنرانی‌های خود تأکید کرده‌اند که بهترین عمل در جوانح، تفکر و اندیشه است. به‌گفته آیت‌الله جوادی آملی، «عالم ممکن است به جهنم برود؛ اما عاقل به جهنم نمی‌رود؛ زیرا فرمود: ﴿لَو كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (سوره ملک، آیه ۱۰). اگر ذره‌ای عقل داشتیم و آن را به کار می‌انداختیم، گرفتار عذاب جهنم نمی‌شدیم.

از نظر عمل جوانحی، بهترین عمل بعد از واجبات الهی، گره‌گشایی از کار خلق و داشتن دست گشاده و فکر کردن به محرومین است. سیره معصومین علیهم‌السلام نیز، بر اهمیت گره‌گشایی تأکید دارد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ» (ثواب‌الأعمال و عقاب الأعمال، جلد۱، صفحه۱)؛ کسی که نمی‌تواند گره‌گشایی کند، راهنمایی کند، ثواب گره‌گشایی را دارد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مُعَلِّمُ الْخَيْرِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ» (بصائرالدرجات، ج ۳، ص ۱). خطیب مصداق بارز معلم الخیر است و تمامی موجودات آسمانی و زمینی برای معلم الخیر دعا می‌کنند.

در نهایت، باید توجه داشت که تفقه در دین، اولین شرط برای مبلغ موفق است. کسانی که به منبر می‌روند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که فقط آهنگ و صدای خوش دارند، گروهی که اسلام‌شناس واقعی هستند و گروهی که فصیح و بلیغ هستند. البته ممکن است کسی هر سه ویژگی را داشته باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «إنّا لأُمَراءُ الكلام وفينا تَنَشَّبَتْ عُرُوقُهُ وعلَينا تَهَدَّلَتْ غُصونُهُ أَلَا وَإِنَّ اللِّسَانَ بَضْعَةٌ مِنَ الإِنْسَانِ، فَلَا يُسْعِدُهُ الْقَوْلُ إِذَا امْتَنَعَ وَلَا يُمْهِلُهُ النُّطْقُ إِذَا اتَّسَعَ». زبان بخشی از وجود انسان است و به‌همان اندازه که فکر فعال است، زبان هم اثرگذار خواهد بود.

به نظر من، شهید مطهری رحمه‌الله یک اسلام‌شناس برجسته قرن ماست و آرزو می‌کنم که بتوانم، به درک عمیق شهید مطهری و مهارت‌های بیان مرحوم فلسفی دست یابم. خدا شاهد است که فلسفی مطالب را از مطهری می‌گیرد و سه برابر بهتر به جامعه ارائه می‌دهد.

• آفت‌های منبر

بیشتر سخنرانی‌ها در مباحث اخلاقی متمرکز است و محتوای منابر امروزی بیشتر به اخلاقیات، صبر، گذشت و خدمت به خلق پرداخته است؛ البته در برخی از منابر نیز مباحث ذوقی مطرح می‌شود.

یک خطیب در منبر خود می‌گوید که شیعه علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام هرگز آتش قیامت را نمی‌بینند. خطیب دیگری می‌گوید که «به عمل کار برآید و به سخنرانی نیست.» پیامبر اکرم ﷺ به حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند: «مواظب خودت باش؛ حتی من که پدر تو هستم، نمی‌توانم تو را در قیامت بی‌نیاز کنم.» شفاعت به جای خود است؛ ولی مردم باید به عمل صالح دعوت شوند؛ همان‌طور که قرآن فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (سوره بقره، آیه ۸۲).

تناقض‌هایی که در منابر مشاهده می‌شود، باید برطرف شود و هرکسی نباید تنها بر اساس ذوق شخصی خود سخنرانی کند. اکثر مباحث در منابر ما به اخلاقیات محدود شده است؛ درحالی‌که قرآن بیشتر بر معاد تمرکز دارد. علامه طباطبایی می‌گوید: ۱۴۰۰ آیه در قرآن به معاد مربوط می‌شود و با اضافه کردن دلالت‌های ایما و اشاره، این تعداد به ۱۸۰۰ آیه می‌رسد. از وجدان بیدار شما سؤال می‌کنم: کدام خطیب در ماه رمضان به‌جای پرداختن به مباحث پراکنده، به معادشناسی پرداخته است؟

مباحث مختلفی در زمینه معاد وجود دارد؛ مانند ارتباط معاد با سرنوشت بشر، آثار سازنده معاد در انسان، بازدارندگی معاد از گناه و تلطیف عواطف به‌واسطه معاد. معاد یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی است؛ زیرا اگر خدایی باشد که پیامبری فرستاده است و دستوراتی را صادر کند؛ اما معاد وجود نداشته باشد، باید بپرسیم که چه خواهد شد. اگر به دستورات او عمل نکنیم؟ اگر معاد وجود نداشته باشد، بندگی چنین خدایی بی‌معنا خواهد بود. امام علی علیه‌السلام فرمودند: «تالله اگر من را روی خار مغیلان از سر شب تا صبح بکشانند و بدنم را پاره کنند، برای من آسان‌تر است از اینکه به پرندگان خدا ظلم کنم.»

اگر نمایندگان مجلس و مسئولان ما حتی یک‌صدم ایمان به معاد داشتند، به مردم ظلم نمی‌کردند. ایمان به معاد موجب حس مسئولیت می‌شود و این حس باعث می‌شود که از اموال مردم سوءاستفاده نکنند و به گره‌گشایی از کار خلق بپردازند. امام علی علیه‌السلام نیز فرمودند: «اگر بدنم را تکه‌تکه کنند، بهتر از آن است که ظلمی کرده باشم.»

• ارزش فن خطابه در اسلام و نقش خطبا

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که فنّ خطابه در اسلام ارزش زیادی دارد و ائمه علیهم‌السلام سفارش به سخنوری و ابلاغ دین کرده‌اند. خطبا حق بزرگی به گردن مردم دارند؛ زیرا مراجع مردم را نمی‌شناسند و خطبا هستند که با هجرت و سفر خود، دین را به مردم معرفی می‌کنند.

• خطبه‌های حضرت زهرا علیهاالسلام و جایگاه سخنوری ایشان

زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام در تبلیغ و سخنوری نمونه‌ای درخشان است. حضرت زهرا علیهاالسلام، به‌عنوان خطیب‌الخطبا، دو خطبه مشهور دارند: یکی در بستر شهادت و دیگری در مسجد نبوی در جمع مهاجران و انصار. خطبه‌ای که به اشتباه «خطبه فدکیه» نامیده شده است، در واقع نطق قلبی و عمیق حضرت زهرا علیهاالسلام است. ایشان به‌شدت به خطابه و سخنوری معروف است و هرکس باید الفبای منبر فکری حضرت زهرا علیهاالسلام را مطالعه کند. خلیفه دوم در تعجب از خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام گفت که حضرت علی علیه‌السلام آن را به ایشان یاد داده است؛ اما این تصور اشتباه است و مقام حضرت زهرا علیهاالسلام بسیار بالاتر از این است.

• خطبه‌های حضرت زینب کبری علیهاالسلام و تأثیر آنها

حضرت زینب کبری علیهاالسلام نیز خطبه‌های درخشانی دارد. راوی می‌گوید: «هرگز زنی با حیا و با حجاب مانند زینب ندیده‌ام که وقتی در کوفه زبان به سخن گشود، گویا زبان علی علیه‌السلام در دهانش بود.» شاعری درباره زینب علیهاالسلام گفته است:

کربلا در کربلا می‌ماند، اگر زینب نبود
سرّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود

• مصیبت‌های کربلا و خطبه‌های حضرت زینب علیهاالسلام

سخت‌ترین مصیبت کربلا چیست؟ برخی می‌گویند: قتلگاه، برخی دیگر به ذوالجناح بی‌صاحب اشاره می‌کنند و بعضی زمان بالا آمدن حضرت زینب علیهاالسلام بر تل زینبیه را سخت‌ترین مصیبت می‌دانند. زینب علیهاالسلام دو خطبه مشهور دارد: یکی در کوفه و دیگری در دربار یزید. در خطبه‌اش در مجلس یزید، فرمود: «وَلَئِنْ جَرَتْ عَلَى الدَّوَاهِي مُخَاطَبَتُك، إِنِّي لَأَسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ وَأَسْتَعْظِمُ تَقْرِيعَكَ وَأَسْتَكْثِرُ تَوْبِيخَكَ» (بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۴).

به یزید می‌فرماید که این از جفای روزگار است که دختر زهرا علیهاالسلام با تو سخن بگوید. زینب علیهاالسلام در شرایط سخت و با مشاهده سر حسین علیه‌السلام بر نیزه، این‌گونه با یزید سخن می‌گوید.

زینب علیهاالسلام همچنین در پاسخ به عبیدالله که از وضعیت شما سؤال کرد، فرمود: «ما رأيت إلا جميلا» که هزار سال است که خوراک اهل معرفت است.

• خطبه‌های امام مجتبی و امام حسین علیهماالسلام

امام مجتبی علیه‌السلام نیز در سن چهار سالگی خطبه‌ای خواند و معارف دین را در حد یک دقیقه بیان کرد. امام علی علیه‌السلام بعد از این خطابه، امام حسن علیه‌السلام را در آغوش گرفت و پیشانی او را بوسید.

راوی در مورد امام حسین علیه‌السلام می‌گوید: «فلم أر متكلما أنطق منها»؛ یعنی خطیب‌تری از امام حسین علیه‌السلام ندیده‌ام. پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمودند: «أنا أفصح من نطق بالضاد بيد أني من قريش»؛ من فصیح‌ترین کسی هستم که نطق کرده است.

گفت‌وگو و تنظیم: حمید کرمی و عماد شالیکاریان